

یادداشت

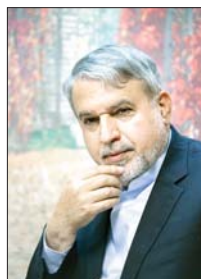
چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی؛

روشنای روح ایران و تداوم میراث جوادان

سیدرضا صالحی امیری

وزیر میراث فرهنگی

فرهنگ ایران، بنیاد هویت و ستون فقرات انسجام تاریخی این ملت است. آنچه امروز ایران را ایران می‌سازد، صرفاً جغرافیا و مرزهای فیزیکی نیست، بلکه روحی است که در هنر، اندیشه، اسطوره‌ها و میراث چهره‌های ماندگار متجلی شده است که هنر، چهره‌ها، فراتر از افراد عادی، نورانی و الهام‌بخش‌اند! آنان خورشیدی‌هایی هستند که تاریخ، فرهنگ و آینده ایران را روشن نگه می‌دارند.



چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی، حافظان هویت و نماد انسجام اجتماعی و فرهنگی ایران‌اند. حضور آنان در طول تاریخ، همدوره زمینه‌ساز تحول، خلاقیت و تداوم فرهنگی بوده است. انسان‌های بزرگ، پس از پایان حیات زمینی، با آثار و اندیشه‌های خود

سرموایی نوین فرهنگی می‌گشایند و جامعه را به سوی تعالی هدایت می‌کنند. استاد فرشچیان، به‌لکه روحی است که در هنر، اندیشه، اسطوره‌ها و میراث چهره‌های ماندگار متجلی شده است که هنر، چهره‌ها، فراتر از افراد عادی، نورانی و الهام‌بخش‌اند! آنان خورشیدی‌هایی هستند که تاریخ، فرهنگ و آینده ایران را روشن نگه می‌دارد.

ایران، فراتر از یک سرزمین، دارای روحی است که در هنر، اندیشه، اسطوره‌ها، شعرا، مشایخ و معارفش تجلی یافته است. هر کوشش برای این سرزمین، از بارگاه استادان، هنرمندان، شاعران و پژوهشگران برجسته، نام‌تعهد جامعه ایرانی به پاسداشت تاریخ و فرهنگ‌اند و حضور آنان، یادآور زنده‌یون روح ایران در طول تاریخ است. آنان با خلاقیت، تعهد و اندیشه خود، جریان‌های فرهنگی و هنری را استوار می‌بخشند و هویت ملی را مستحکم می‌کنند.

فرهنگ ایران، چشمه‌ای جویبار است که هیچ‌گاه خشک نمی‌شود. هزار سال پس از فردوسی، آثار او همچنان الهام‌بخش و زنده است. امروز نیز چهره‌های برجسته فرهنگ و هنر، پیام ایران پایدار و زنده را منتقل می‌کنند. باستان‌شناسی و پاسداشت چهره‌های ماندگار، نه تنها یادآور بزرگی آنان است، بلکه تضمین‌کننده استمرار هویت ملی و فرهنگی ایران است. آنان چراغ راه نسل‌های آینده‌اند و تداوم فرهنگی ملت بدون حضور و آثار آنان محصور نیست. چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی، خورشیدی‌هایی هستند که مسیر فرهنگ ایران را نشان می‌دهند و تاریخ این سرزمین را جوادانه می‌سازند. پاسداشت آنان، پاسداشت روح انسانیت است، روحی که در آثار، افکار و اندیشه‌های این بزرگواران تجلی یافته و به نسل‌های آینده منتقل می‌شود. این پاسداشت، یادآور این حقیقت است که فرهنگ ایران، جریان مستمر، هم‌اکنون پاسداشت فرهنگی که نسل‌ها را زنده می‌کند، الهام می‌بخشد و هویت ملی را حفظ می‌کند.

تداوم فرهنگ ایران، به حضور و اندیشه چهره‌های ماندگار وابسته است. آنان نه تنها سرمایه‌های انسانی و فرهنگی ملت‌اند، بلکه چراغ راه تاریخ و مایه اقتدار تمدنی ایران هستند. ثبت و پاسداشت این شخصیت‌ها، نماد احترام و التزام جامعه به میراث ملی و فرهنگی است. چهره‌های ماندگار، بانی هستند میان گذشته و آینده و تعالی فرهنگ ایران را به سوی آینده‌ای نورانی و پرافتخار می‌کشند. این خورشیدی‌هایی هستند که تاریخ فرهنگ ایران را روشن نگه می‌دارند و جامعه را به سوی شکوفایی هدایت می‌کنند.

چهره‌های ماندگار

مفاخر فرهنگی؛ سرمایه‌های زنده ملت‌ها

برای رشد و بالندگی فرهنگ

«هیچ ملتی بدون رجوع به ریشه‌ها و پاسداشت بزرگان فرهنگی‌اش نمی‌تواند مسیر آینده‌اش را طی کند.» مفاخر فرهنگی، اعم از، شاعران، نویسندگان، اندیشمندان، هنرمندان و پژوهشگران، نقطه شخصیت‌هایی فردی، بلکه نماینده‌های جمعی‌اند که تجربه‌های تاریخی، اندیشه‌های اصیل و زیبایی‌های هنری را در نسل‌های پس از خود منتقل می‌کنند. حقیقت، آنان حافظان حافظه تاریخی ملت‌اند؛ یادگاران سرزمین‌هایی نامدیده جامعه‌اند، سرمایه‌هایی که اگر نادیده گرفته شوند، فراموشی و گسست فرهنگی به دنبال خواهند داشت. نگه‌داشتن این مفاخر، نه تنها برای یک آینده پایدار و پرآزادی مردمی است، نمادین، بلکه بخشی از استراتژی رشد فرهنگی به جامعه است؛ چراغ وقتی یک ملت بزرگ خود را پس می‌دارد، دره‌هایی به جوانان یاد می‌دهد که مسیر تعالی و خلافت، پیش‌تر از سوس پیشینیان پیموده شده و ادامه آن نیازمند شناخت ریشه‌ها و تداوم است. این چهره‌ها، الگویی برای زیستن، آفرینش و اندیشیدن پیدای می‌کنند.

کوشش‌هایی که به معرفی و نگهداشت مفاخر خود پرداخته‌اند، توانسته‌اند فرهنگ‌شان را بر بزند جهانی تبدیل کنند. این پاسداشت آثارشان به زبان معرفی گویند. هند، یک نگهداشت تانسو و آثار بزرگداشت حافظ و مولانا توانسته‌اند نام خود را در عرصه جهانی فراتر از مرزهای جغرافیایی تثبیت کنند. این کار نه تنها غرور ملی می‌آفریند، بلکه دیپلماسی فرهنگی را نیز تقویت می‌کند. در این مسیر، ابزارهای گوناگونی برای نگهداشت مفاخر وجود دارد؛ از برگزاری جشنواره‌ها و هفته‌های فرهنگی گرفته تا ساخت مستندها، نام‌گذاری خیابان‌ها و بناها، انتشار دوباره آثار و حتی راه‌اندازی موزه‌ها و بنیادهای پژوهشی. اینها همه شیوه‌هایی هستند که فرهنگ یک ملت را زنده و پویا نگه می‌دارند و پیوند بین گذشته و حال را استوار می‌کنند.

نگه مهم این است که پاسداشت مفاخر به معنای ایستادن در گذشته نیست، بلکه هنر زنده نگه‌داشتن آنها در ترجمه و بازآفرینی آثارشان به زبان امروز است. وقتی اندیشه‌های حکیمی که قرن‌ها پیش زیسته، به نیازها و مسائل جامعه معاصر پیوند می‌خورند، این میراث به نیرویی زنده برای آینده تبدیل می‌شود. این همان پلی است که میان «تاریخ» و «اکنون» ساخته می‌شود تا مسیر آینده روشن بماند. در نهایت باید گفت نگهداشت مفاخر فرهنگی، در ذات خود، حرکتی تمدنی است؛ حرکتی که نشان می‌دهد ملت‌ها به سرمایه‌های معنوی خویش وفادارند و می‌خواهند با تکیه بر آنها، چیزی برای عرضه به جهان امروز داشته باشند. کشور که بزرگان خود را فراموش کند، خود را در رقابت جهانی نیز از دست خواهد داد. اما ملتی که چراغ‌های فرهنگش را زنده نگه دارد، آینده‌ای روشن‌تر و پرمعتر خواهد داشت.



۸۰۰ بار واژه «خرد و خردمندی» آورده شده است، کوبی شاهنامه علاوه بر اینکه شاهنامه را اثباتان است، «خردنامه» بزرگ و متمن این به محسوب می‌شود.

او همچنین افزود: مراسم چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی، محلی است برای تکریم انسان‌هایی که سالیان عمر خویش را صرف صیانت از گنجینه‌های هویتی این ملت کرده‌اند و در حقیقت، «پاسداشت میراث‌داران، میراث ایران‌زمین» است. همچنین فرصت را داد، ایران کشوری غنی در زمینه میراث فرهنگی است که البته حفظ و نگهداری میراث فرهنگی وظیفه شگفتی است. ایامودرام با راهبرد آقای صالحی‌امیری که آثار بزرگش را در اختیار جوانان ما قرار می‌گیرد. این مقابله با فرهنگ غنی ایرانی اسلامی است، تصریح کرد: اگر بتوانیم جوانان را با تاریخ، فرهنگ و هنر خود پیوند دهیم، می‌توانیم جوانان و ارزشی میراث فرهنگی خود را تضمین کنیم.

معاول اول رئیس‌جمهور در همین زمینه ادامه داد: برخی جوانان ما با تاریخ و فرهنگ دیرینه ایران آشنایی کافی ندارند و معرفی چهره‌های ماندگار در زمینه‌های مختلف ازجمله میراث فرهنگی نقش مهمی در حل این مشکل دارد. او تأکید کرد: میراث ملی سراسر ماندگار در برابر ایران‌هراسی است؛ زیرا آمریکا با ایدئل آن، راهبرد ایران‌هراسی را برای ماندگاری خود در منطقه انتخاب کرده‌اند. همه توطئه‌ها علیه ایران‌چهره‌ها و جنگ علیه کشورمان برای این است که جمهوری اسلامی ایران از بین برود. آنها ایرانی را به طبل تفرقه و بی‌هویتی گوییده می‌شود. پاسداری از میراث فرهنگی بیش از هر زمان اهمیت دارد. ملت‌هایی که هویت خود را از دست دهند، در گردباد تحولات جهانی بی‌پناه خواهند بود.

او با اشاره به جنگ ۱۲روزه خاطرنشان کرد: این همان روز است که در جنگ ۱۲روزه رژیم صهیونیستی- آمریکا و ناتو علیه تأملیت و استقلال ایران عزیز، ایستادگی کرد و بازدارندگی ایران عزیز در برابر دشمنان، نماییشی باشکوه و مقتدرانه از دیپلماسی ملی، وفای و انسجام ملی را نمایان کرد. اما آنچه در کنار این حادثه و تهاجم بار دیگر موجب فخر و مباهات ایران بود، نهایت جهانی محوطه‌های پیش از تاریخ فرهنگ ایران انفسی و ۶۳ هزار سال در یونسکو است که نشانده‌ای از قدمت، برجستگی و ارزش‌های جهانی تاریخ و تمدن ایرانی است و نشان داد که در آن شرایط جنگی، خادمان حوزه میراث فرهنگی ایران عزیز از خدمت‌بازمانده‌اند. امروز ایران نه تنها میراث‌دار تمدن خویش، بلکه «شریک مسئولیت جهانی» در «حفاظت از فرهنگ بشریت» است و ما وظیفه داریم این امانات را به بهترین شکل به آیندگان بسپاریم.

گفته کتد دکتر دارابی، ایران با همه آثار، هنرها، آیین‌ها و سنت‌های دیرپای و عظمت و وقار، با «تدبیر حکمرانان»، «خرد خردمندان»، «دانش اندیشمندان»، هنر تمدن، شاعران و خنجرانان»، «داوری سربازان و سردارانش» و در نهایت با «تدبیر و همت خستگی‌ناپذیر مرمت‌گران و پاسداران میراث فرهنگی»، تا امروز مقتدرانه تداوم یافته و خواهد یافت. اگر امروز ما از این شکوه و عظمت سخن می‌گوییم، مرحون تلاش بی‌وقفه مردان و زنانی هستیم که با عشق و ایثار، حافظ کمال نظامی و فرهنگی وطن بوده‌اند.

مستندسازی از میراث فرهنگی گفت: در کنار پروژه به بحث‌افزایی، باید به بازفرار میراث فرهنگی هم توجه داشته باشیم. فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی برای حفظ این میراث کشورمان ایجاد شود.

پاسداشت پیش‌گوت میراث ایران

علی‌اربابی، قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی کشور در مراسم نگهداشت چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی گفت: این نگهداشت مسائیتی است که نام آن در تراز شکوه تاریخ و هویت این سرزمین است. رویدادی که در آن پاسداشت همه‌ها تلاش فداکاری خواهند داشت. نگه‌داری گران‌بایه میراث فرهنگی و تاریخی ایران عزیز است که نه تنها یک آبرو و افتخار، بلکه تجلی جرم ساینده‌ی مردمان تمدن و خردورین این سرزمین است، ملتی که در راه دفاع و یک ملت بزرگ خود را پس می‌دارد، دره‌هایی به جوانان یاد می‌دهد که مسیر تعالی و خلافت، پیش‌تر از سوس پیشینیان پیموده شده و ادامه آن نیازمند شناخت ریشه‌ها و تداوم است. این چهره‌ها، الگویی برای زیستن، آفرینش و اندیشیدن پیدای می‌کنند.

نگه مهم این است که پاسداشت مفاخر به معنای ایستادن در گذشته نیست، بلکه هنر زنده نگه‌داشتن آنها در ترجمه و بازآفرینی آثارشان به زبان امروز است. وقتی اندیشه‌های حکیمی که قرن‌ها پیش زیسته، به نیازها و مسائل جامعه معاصر پیوند می‌خورند، این میراث به نیرویی زنده برای آینده تبدیل می‌شود. این همان پلی است که میان «تاریخ» و «اکنون» ساخته می‌شود تا مسیر آینده روشن بماند. در نهایت باید گفت نگهداشت مفاخر فرهنگی، در ذات خود، حرکتی تمدنی است؛ حرکتی که نشان می‌دهد ملت‌ها به سرمایه‌های معنوی خویش وفادارند و می‌خواهند با تکیه بر آنها، چیزی برای عرضه به جهان امروز داشته باشند. کشور که بزرگان خود را فراموش کند، خود را در رقابت جهانی نیز از دست خواهد داد. اما ملتی که چراغ‌های فرهنگش را زنده نگه دارد، آینده‌ای روشن‌تر و پرمعتر خواهد داشت.

آیین نگهداشت چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی ایران و بازگشایی دوباره موزه فرش‌شای

از سوگ تا ستایش

بسی‌تری شد برای تجلیل از کسانی که حافظان این روایت هستند. انتخاب این مکان به نوعی پیوند میان گذشته، حال و آینده را بازتابانی می‌کرد. گذشته‌ای که در کالبد بناها و آثار باقی مانده، حال زنده‌ای که در حضور و فعالیت پیش‌گوتان تجلی است و آینده‌ای که با انتقال این میراث به نسل‌های بعدی تضمین می‌شود. این آیین نشان داد که بزرگداشت چهره‌های ماندگار تنها یک مراسم نمادین نیست، بلکه بستری برای فرهنگ‌سازی است. نسل جوان با مشاهده چنین پاسداشت‌هایی درمی‌یابد که مسیر تلاش در حوزه فرهنگ و هنر، هرچند دشوار، سرانجام با قدرتانی و احترام جامعه همراه خواهد بود. همین الگوسازی می‌تواند انگیزه‌ای برای ادامه راه در حوزه‌های پژوهش، مرمت، حفاظت از میراث فرهنگی باشد.

نگته دیگر در برگزاری چنین نگهداشت‌هایی، تقویت پیوند میان مردم و میراث فرهنگی است. وقتی آن چهره‌های ماندگار تجلیل می‌شود، جامعه متوجه می‌شود که فراتر از بناهای تاریخی و اشیای ارزشمند، افرادی هستند که زندگی خود را وقف حفاظت از این میراث کرده‌اند. این شناخت، اعتماد عمومی به میراث فرهنگی را عمیق‌تر و مسئولانه‌تر می‌کند.

چهارمین نگهداشت چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی، نهادن ایهای احترام به پیش‌گوتان این حوزه، بلکه فرصتی بود برای یادآوری این آیین، رونمایی از تمیر یادبود چهارمین نگهداشت بود؛ افرادی فرهنگی که ارزش اسنادگاری تلاش رویداد‌های را در حافظه مردم ثبت می‌کند. این تمیر تنها یک نشانه نمادین، بلکه بسندی است بر اهمیت جایگاهی که جامعه ایرانی برای حافظان فرهنگ و تاریخ خود قنای مراسم نیز خود حامل پیامی عمیق بود. ایوان عطار در مجموعه سعدآباد، مکانی تاریخی و یادآور بخشی از روایت فرهنگی ایران،

برگشته نیست، بلکه بزرگداشت یک اندیشه و یک رسالت است؛ رسالتی برای همه ما، برای همه نسل‌ها و همه عصرها. یقین بدارم که تلاش شما چراغی خواهد بود برای جوانان و آیندگان تا با انگیزه و اراده‌ای راسخ‌تر، راه پاسداری از فرهنگ و تاریخ را ادامه دهند. بنیاید که میراث، گنجینه‌ای است که سالیان عمر خویش را صرف صیانت از گنجینه‌های هویتی این ملت کرده‌اند و در حقیقت، «پاسداشت میراث‌داران، میراث ایران‌زمین» است. همچنین فرصت را داد، ایران کشوری غنی در زمینه میراث فرهنگی است که البته حفظ و نگهداری میراث فرهنگی وظیفه شگفتی است. ایامودرام با راهبرد آقای صالحی‌امیری که آثار بزرگش را در اختیار جوانان ما قرار می‌گیرد. این مقابله با فرهنگ غنی ایرانی اسلامی است، تصریح کرد: اگر بتوانیم جوانان را با تاریخ، فرهنگ و هنر خود پیوند دهیم، می‌توانیم جوانان و ارزشی میراث فرهنگی خود را تضمین کنیم.

معاول اول رئیس‌جمهور در همین زمینه ادامه داد: برخی جوانان ما با تاریخ و فرهنگ دیرینه ایران آشنایی کافی ندارند و معرفی چهره‌های ماندگار در زمینه‌های مختلف ازجمله میراث فرهنگی نقش مهمی در حل این مشکل دارد. او تأکید کرد: میراث ملی سراسر ماندگار در برابر ایران‌هراسی است؛ زیرا آمریکا با ایدئال آن، راهبرد ایران‌هراسی را برای ماندگاری خود در منطقه انتخاب کرده‌اند. همه توطئه‌ها علیه ایران‌چهره‌ها و جنگ علیه کشورمان برای این است که جمهوری اسلامی ایران از بین برود. آنها ایرانی را به طبل تفرقه و بی‌هویتی گوییده می‌شود. پاسداری از میراث فرهنگی بیش از هر زمان اهمیت دارد. ملت‌هایی که هویت خود را از دست دهند، در گردباد تحولات جهانی بی‌پناه خواهند بود.

چهره‌های ماندگار پیوند میان میراث انفسی و میراث آفاقی را برقرار کرد

در بخش دیگری از چهارمین آیین نگهداشت چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی ایران، حجت‌الاسلامالمسلمین عبدالعسین خورشیدی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، در طلیعه راه ریح‌اللطیف سخنان خود را ایراد کرد و گفت: «بزرگاری این آیین در ایاام مبارک صیانت است و از همه بزرگان‌کنندگان این امر اراد ارزشمند، سیاست‌سازان، عنوان راهبردی، هدایتیان ایران سرای امید مرقابک می‌شعار نیست، بلکه یک گزاره حکمی است که بر حقیقتی استوار است؛ این امری انتزاعی نیست؛ اما محدود محسوس است؛ تعهد هنرمندانش که بی‌شک اتصال به حافظه تمدنی است.» او افزود: «بازار شده که در یک نخبست، یک تبیین مفهومی از میراث فرهنگی ارائه کنم. میراث فقط یک واژه و افسانیه یا جامه‌ای از گذشتگان نیست، مشرک بشریت معرفی می‌کند.

گفته به در حال معنا می‌باشد، آینده را بر شاهوادی مستحکم این آیین می‌سازد. حجت‌الاسلامالمسلمین خورشیدی بیانیه ادامه داد: «برای فهم عمیق این جریان تاریخی، مناسب است به دستور معرفت الهی و دو کتاب بزرگ شناخت که قرآن کریم به آن اشاره می‌کند، توجه کنیم، آنجا که می‌فرماید: «تَرْجِمُهُ اِلَیَّ اَنْ اَقِیَ اِلَیَّ وَ اَنْ اَفْهَمُهُ حَتّٰی یَتَّبِعَ لَهْمُ اَلْحَقَّ اِنْ لَمْ یُشْرِفْ عَلٰی رُؤْشِنِ»؛ یعنی هر کس شایسته‌ی فهم معرفت را بی‌پایه ندارد و این امر نیز، میراث فرهنگی ما تجلی همه آیت آفاقی و انفسی است.

او گفت: «میراث آفاقی همان آیت بی‌پرونی و محمول تمدن ماست؛ معماری‌ها، شهرها، آیین‌ها، کتیبه‌ها، همه کالبد میراث‌اند و همه‌هایی که در با حقیقتی برتر دالات است. اما میراث انفسی، تفکر، عرق، روح‌حاکم بر میراث آفاقی است، همان حکمتی که جان و نفس حکما، عرفا، هنرمندان و دانشمندان ما را ظهور و تجلی می‌بخشد. میراث انفسی سربایه انسانی تمدن‌ساز است.»، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح کرد: «این چهره‌های ماندگار در چهارمین آیین نگهداشت در واقع پیوند میان میراث انفسی و میراث آفاقی را برقرار می‌کنند. تاریخ این سرزمین نه تاریخ سلسله‌ها، بلکه تاریخ استمرار و تکامل یک جریان حکمت توحیدی است. دوران باستان با حکمت خورانی، حکمت خورانی ایران کهن را بنا نهاد؛ حکمت خسروانی که در اندیشه بزرگان ایران‌زمین متبلور است، همدوره دعوتی به راستی و دادرگی بود، دوره اسلامی، مبارکی بود که در ورود اسلام به ایران، لطف، خرد و نبوغ الهی این جریان حکمی محسوس می‌شد. این امر به بعد انقلاب اسلامی، شاهد احیای هویت تمدنی هستیم.» او ادامه داد: «در این بخش مایلیم به سه شخصیت فرهنگی اشاره کنم که توانسته‌اند پیوند میان حکمت ایرانی و حکمت اسلامی را برقرار کنند؛ نخست، حکیم ابوالقاسم فردوسی که حلقه وصل خرد ایران باستان و خرد اسلامی است. شاهنامه او، حماسه خود خرد علیه بداد و دلد بی‌داد است. دوم، شیخ شهاب‌الدین سهروردی که پیوند حکمت خسروانی ایران باستان و حکمت قرآنی و همچنین پیوند فلسفه و عرفان را برقرار کرد. سومین شخصیت استاد محمود فرشچیان است که تجلی تصویری حکمت عرفانی بود و توانست میان هنر و حکمت و میان سنت و تجدید، ارتباط برقرار کند.» خورشیدی در ادامه افزود: «اگر فردوسی خرد ایرانی و خرد اسلامی را در شاهنامه جمع کرد و اگر سهروردی میان حکمت خسروانی و حکمت قرآنی پیوند، در استاد فرشچیان نیز که رضوان خدا او را بود، میان هنر و میان سنت و تجدید پیوند برقرار کرد.» او گفت: «امروز ما در میانه جنگ جهانی روایت‌ها قرار داریم.

ایران‌هراسی و تحریف تاریخ ما بخشی از این تبرد است. در چنین میدانی، هر اقدامی برای احیای میراث، یک گشتی فعال در جهاد فرهنگی و ضرورتی برای احیای امنیت ملی است. از این رو، باید اولسین گام در جهت احیای انسانیت جهانی را طراحی و اجرایی کنیم. باید نهضت روایتگری پیشرفت را در فعال کنیم. طریقت‌های اقتصاد فرهنگ‌بینان را، عملیاتی کنیم و جهاد تبیین را در عرصه فرهنگ پیش ببریم. باید شورایی عالی انقلاب فرهنگی را پایان بگذاریم که کار گرفت، می‌خواهم بگویم در تاریخ معاصر ایران در این صد سال اخیر، ما دو استاد بزرگ نقاشی داشتیم که هنر‌تشان در همه ایران پیچیده، یکی صرف‌نظر کم می‌خواهم بگویم استاد فرشچیان این درس را به خویشی فرا گرفته بود.

معنویت، خدانشناسی، اسلام، تشیع و مذهب معنوی را در زیباترین صورت عرضه کرد. برای احیای میراث، یک گشتی فعال در جهاد فرهنگی و ضرورتی برای احیای امنیت ملی است. از این رو، باید اولسین گام در جهت احیای انسانیت جهانی را طراحی و اجرایی کنیم. باید نهضت روایتگری پیشرفت را در فعال کنیم. طریقت‌های اقتصاد فرهنگ‌بینان را، عملیاتی کنیم و جهاد تبیین را در عرصه فرهنگ پیش ببریم. باید شورایی عالی انقلاب فرهنگی را پایان بگذاریم که کار گرفت، می‌خواهم بگویم در تاریخ معاصر ایران در این صد سال اخیر، ما دو استاد بزرگ نقاشی داشتیم که هنر‌تشان در همه ایران پیچیده، یکی صرف‌نظر کم می‌خواهم بگویم استاد فرشچیان این درس را به خویشی فرا گرفته بود.

معنویت، خدانشناسی، اسلام، تشیع و مذهب معنوی را در زیباترین صورت عرضه کرد.

حسین اربابی، قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی کشور در مراسم نگهداشت چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی گفت: این نگهداشت مسائیتی است که نام آن در تراز شکوه تاریخ و هویت این سرزمین است. رویدادی که در آن پاسداشت همه‌ها تلاش فداکاری خواهند داشت. نگه‌داری گران‌بایه میراث فرهنگی و تاریخی ایران عزیز است که نه تنها یک آبرو و افتخار، بلکه تجلی جرم ساینده‌ی مردمان تمدن و خردورین این سرزمین است، ملتی که در راه دفاع و یک ملت بزرگ خود را پس می‌دارد، دره‌هایی به جوانان یاد می‌دهد که مسیر تعالی و خلافت، پیش‌تر از سوس پیشینیان پیموده شده و ادامه آن نیازمند شناخت ریشه‌ها و تداوم است. این چهره‌ها، الگویی برای زیستن، آفرینش و اندیشیدن پیدای می‌کنند.



برگشته نیست، بلکه بزرگداشت یک اندیشه و یک رسالت است؛ رسالتی برای همه ما، برای همه نسل‌ها و همه عصرها. یقین بدارم که تلاش شما چراغی خواهد بود برای جوانان و آیندگان تا با انگیزه و اراده‌ای راسخ‌تر، راه پاسداری از فرهنگ و تاریخ را ادامه دهند. بنیاید که میراث، گنجینه‌ای است که سالیان عمر خویش را صرف صیانت از گنجینه‌های هویتی این ملت کرده‌اند و در حقیقت، «پاسداشت میراث‌داران، میراث ایران‌زمین» است. همچنین فرصت را داد، ایران کشوری غنی در زمینه میراث فرهنگی است که البته حفظ و نگهداری میراث فرهنگی وظیفه شگفتی است. ایامودرام با راهبرد آقای صالحی‌امیری که آثار بزرگش را در اختیار جوانان ما قرار می‌گیرد. این مقابله با فرهنگ غنی ایرانی اسلامی است، تصریح کرد: اگر بتوانیم جوانان را با تاریخ، فرهنگ و هنر خود پیوند دهیم، می‌توانیم جوانان و ارزشی میراث فرهنگی خود را تضمین کنیم.



مهناز عبدالله خان‌حاری، رژی، نیت‌لش با سوابق طلایی

آغاز فعالیت او در مرکز کارشناسی ایران به سال ۱۳۲۴. در سال ۱۳۲۹ مسئولیت بخش مرمت را در آزمایشگاه تحقیقات مرکزی و همراه باهمکاری در روند ایجاد هسته اولیه پژوهشگاه حفاظت و مرمت کوتهی بر عهده گرفت و پس از آن سال ۱۳۷۵ مسئول بخش مرمت و حفاظت در موزه ملی ایران شد.

به فراخور مسئولیت‌ها، طی بیش از سه دهه فعالیت که در این عرصه داشت، هدایت، نظارت، راهبری و اجرای بخش درخزور توجهی از پروژه‌های مرمت و حفاظت آثار گوناگون محفوظ در موزه ملی ایران و نیز یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناسی را عهده‌دار بود. او همچنین سه هدایت طرح بلندمدت (شش سال متوالی) حفاظت، مرمت و مطالعات حفاظت و مرمت ملی ایران، دبیر پژوهش‌های باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و حفاظت در موزه ملی ایران شد.

به زبان فارسی و عربی، با قدمت ۱۰ قلاب تولید بود. در کارنامه کاری خود دارد. در این پروژه بیش از ۶۰۰ اثر تاریخی در قالب یک پژوهش جامع با بر روزترین روش مرمت و ثبت شده است. این مجموعه ارزشمند در سال۱۴۰۲ در فهرست حافظه جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. همچنین تدرج ده جنگی از مقام محترم ریاست‌جمهور (۱۳۸۲) ازجمله سوابق ایشان است.

اکبر نقی‌زاده اصل، از جایزه آقاخان تا چهرد ماندگار

اکبر نقی‌زاده اصل، معمار و مرمت‌گر برجسته، دارای کارشناسی ارشد معماری از دانشگاه شهید بهشتی است. او در فاصله سال‌های ۱۳۵۴ تا۱۳۵۸ به‌عنوان مدرکل و رئیس سازمان میراث فرهنگی آذربایجان شرقی فعالیت داشت و هم‌زمان از سال ۱۳۷۸ تا۱۳۸۶ مدیریت طرح پردیسان در حوزه مرمت و احیای راه‌های تاریخی را عهده گرفت. نقی‌زاده اصل سابقه عضویت در شورای‌های فنی و راهبردی ادارات کل و مجموعه‌های حوزه مرمت میراث فرهنگی را دارد و در مرمت آثار شاخصی مانند خانه عامری‌های کاشان نقش محوری ایفا کرده است. کسب جایزه بین‌المللی آقاخان برای مرمت مردمی یازار نیزبر ازجمله افتخارات او به‌شمار می‌رود.

محمدحسن طالبیان، مدیر باسابقه

محمدحسن طالبیان، متولد ۱۳۴۰ در قزوین، از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های حوزه میراث فرهنگی ایران است. او دکترای معماری با گرایش مدیریت و حفاظت میراث فرهنگی را در دانشگاه تهران دریافت کرد و عرصه علمی و اجرایی فعالیت داشته است. طالبیان معاونت میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور را در عهده داشته و پیش‌تر عضویت علمی مرکز آموزش عالی سازمان میراث فرهنگی و نیز گروه معماری دانشگاه تهران بوده است. او تجربه حضور در سطح بین‌المللی عیون‌عوض شورای اجرائی ایکروم (مرکز بین‌المللی حفاظت و مرمت میراث فرهنگی) را نیز دارد. مدیریت علمی و اجرایی پایگاه‌های مهمی مانند خواجه‌نصیل، دانشگاهی و سیاست‌های اجرایی میراث فرهنگی، جایگاه ویژه‌ای برای او در جامعه علمی و فرهنگی کشور رقم زده است.

ابراهیم حیدری و نقش چشمگیرش در حفاظت آثار تاریخی

ابراهیم حیدری، متولد ۱۳۴۰ در قزوین، از باستان‌شناسان و مدیران باسابقه میراث فرهنگی ایران است. او کارشناسی باستان‌شناسی خود را از دانشگاه تهران دریافت کرد و طول خدمت خود مسئولیت‌های متعددی بر عهده داشت. حیدری مدیرکل میراث فرهنگی استان همدان و سپس مدیرکل میراث فرهنگی استان آذربایجان غربی بود و نزدیک به ۳۰ سال مدیریت رایگه‌های میراثی جهانی تخت سلیمان را بر عهده داشت. او در حوزه مرمت و حفاظت آثار تاریخی نیز نقش چشمگیر ایفا کرده و در پروژه‌های مهمی مانند جایگاهی کلیسای زور زور، مرمت بازار و مسجد جامع ارومیه و حفاظت از محوطه باستانی مگمگانه فعالیت داشت. او همچنین مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور را در عهده داشته و پیش‌تر عضویت علمی مرکز آموزش عالی سازمان میراث فرهنگی و نیز گروه معماری دانشگاه تهران بوده است. او تجربه حضور در سطح بین‌المللی عیون‌عوض شورای اجرائی ایکروم (مرکز بین‌المللی حفاظت و مرمت میراث فرهنگی) را نیز دارد. مدیریت علمی و اجرایی پایگاه‌های مهمی مانند خواجه‌نصیل، دانشگاهی و سیاست‌های اجرایی میراث فرهنگی، جایگاه ویژه‌ای برای او در جامعه علمی و فرهنگی کشور رقم زده است.

سیدفاله امینیان، دبیری کارآمد

سیدفاله امینیان متولد خرداد ۱۳۴۵ در شهر آران و بیدگل است. تحصیلات ابتدایی و دبیر در سکوت و به دور از جایه‌یور رسانه‌ای، در مرمت بناها، گردآوری آثار و انتقال دانش و تجربه به نسل جوان کوشیده‌اند. معرفی و تجلیل از چنین سرل‌های می‌تواند انگیزه‌ای برای استمرار راه حفاظت از میراث فرهنگی و الهام‌بخش نسل‌های آینده باشد. این خانات حفاظت از باستان‌های خراسان از سال ۱۳۵۳ تا۱۳۵۷، رئیس دفتر فنی حفاظت آثار باستانی فارس از سال۱۳۵۸ تا۱۳۶۳، مسئولیت برنامه‌ریزی، طراحی و نظارت اجرایی بناهای تاریخی استان‌های فارس، بوشهر و گیلکیویهویراحمد، هم‌زمان سازمان میراث فرهنگی کشور ازجمله سوابق ایشان است.

